

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی
سال هشتم - پاییز ۱۴۰۵ - شماره ۲۷ - ص ۸۴ - ۹۷

رابطه بین آزادی در پذیرش دین و مجازات دنیوی

طاهره غفارزاده سراسکانرود^۱

چکیده

بحث آزادی عقیده و مباحث پیرامون آن از اهمیت و جایگاه والایی در معارف الهی برخوردار است. دین مبین اسلام در راستای تکریم و احترام به اراده و اختیار انسان، هرگونه تحمیل عقیده و اجبار در انتخاب دین را نفی میکند زیرا اجبار در پذیرش عقیده امری محال است و اگر هم مؤثر بیافشد عقیده نیست بلکه امری ظاهری است و از حیث بیان عقیده؛ از آنجا که به گونه ای با نظم و انضباط اجتماعی مرتبط است حکومتها و ادیان برای آن محدودیت هایی قائلند و یا این که شبیه تعارض کیفر دنیوی و اخروی در رابطه با آزادی عقیده مطرح شده است. اما کیفر دنیوی و حکم مرتد برای جلوگیری از تحقق دین و پیشگیری از ضلالت و گمراهی انسانها و میباید و کیفر اخروی مقتضای عدل الهی است و اگر پاداش و کیفر اخروی نباشد عدل الهی مخدوش خواهد شد و لازم است تا دنیای دیگری باشد تا نیکوکاران جزای کامل عمل خود را در آنجا ببینند و چون زندگی دنیایی برای انسان ناپایدار و محدود است. باید در این دنیا برای آخرت پایدار خود زاد و توشه جمع آوری کند.

واژگان کلیدی: آزادی عقیده، ارتداد، کیفر اخروی

۱. طلبه سطح دو، حوزه علمیه خواهران، حوزه علمیه الزهرا (سلام الله علیها)، شهرستان مراغه، آذربایجان شرقی.

مقدمه

دین مجموعه‌ای از عقاید و اخلاق و قوانین از اطراف خداوند برای حیات، هدایت و سعادت دنیوی و اخروی انسان است. اگرچه به معنای واداشتن شخص به انجام کاری است که برای او ناخوشایند است. دین اسلام که در همه زمینه‌ها و جزئیات برنامه‌ی زندگی انسان را بیان نموده است. در زمینه‌ی آزادی نیز راه را برای آزادی انسان مشخص نموده و محدودیت و میزان انسان را تعیین کرده است.

تحقیق حاضر با مراجعه به آیات و روایات و کتب تفسیری و اعتقادی به بررسی شبهات وارده بر دین پرداخته و به آنها پاسخ داده شده است. شبهاتی از جمله اینکه اگر انسان در انت‌خاب دین آزاد است پس چرا عقوبت دنیوی و اخروی برای برگشت او از دین در اسلام در نظر گرفته شده است و یا اینکه با توجه به وعده‌هایی که خداوند در قرآن کریم جهت مغفرت گناه کاران داده شده است چگونه میتوان به عقوبت اخروی یقین کرد و از ترس آن از انجام گناه دست کشید و ... اینها نمونه‌ای از شبهات وارده بر عدم اکراه دین است که در این تحقیق به دیگر شبهات نیز پاسخ داده خواهد شد.

ریشه اولیه این موضوع را میتوان در قرآن جست. در بسیاری از آیات و روایات قرآن به بیان مسئله آزادی انسان در پذیرش دین اشاره شده است. همچنین در بسیاری از کتب روایی و حدیثی و کتابهای عصر حاضر مسئله اکراه در دین بررسی شده است. از جمله می‌توان به کتب و آزادی عقل، ایمان، نوشته حجت الاسلام سروش و آزادی در قرآن نوشته محمد علی ابازی، و حق و تکلیف در اسلام نوشته عبدالله جوادی آملی و جبر و اختیار نوشته محمد تقی جعفری و «قرآن و مسئله اکراه در دین با تأکید بر نقد شبهات نوشته‌ی حسین کامیاب و نیز مقالاتی چون آزادی بیان با تأکید برواکاوی تفسیری نوشته سید حسین حسینی کارنامی و و منطلق ساختاری مفهوم آزادی عقیده در نظام اندیشه نوشته آیت الله جوادی آملی اشاره کرد. اما این کتب و مقالات موضوع مورد بحث را به صورت کلی و جامع مورد بررسی قرار داده است که ما در این مقاله موضوع شبهه اکراه در دین و لزوم رابطه‌ی دین با آزادی و مجازات دنیوی و اخروی را به صورت کاملاً جزئی مورد پژوهش قرار داده و علل و شواهد قرآنی و روایی مربوط به هر بحث را به صورت کافی و لازم ذکر کرده ایم.

پس از آن که آزادی عقیده در اسلام و بیان آن عقیده مورد بررسی قرار گرفت، اما مسأله ارتداد و احکام آن در تعارض با آزادی عقیده از چالشهای مهم در این بحث به شمار می‌آیند. منتقدان حکم قتل مرتد و سایر احکام مرتد معتقدند برای شخصی که از عقیده‌ای مانند اسلام یا یکی از آموزه‌های ضروری آن رو برگردانده و عقیده دیگری را انتخاب میکند یا در موضع شک و تردید باقی می‌ماند، کیفر قتل با حقوق بشر و طبیعی همخوانی ندارد.

الف: شبهات وارد بر عدم آزادی در تغییر عقیده

در فرهنگ و افکار عمومی جهان امروز و طرح شعار حقوق بشر، عدم آزادی در تغییر عقیده را در تعارض با این حقوق و آزادی انسان در پذیرش دین میدانند آنها می گویند: اگر اگراه در عقیده ممنوع است و پذیرش اسلام با اختیار و آزادی انجام میشود ترک عقیده نیز باید آزاد باشد پس چرا در مباحث فقهی مرتد و کسی که از دین می‌گردد به احکام سختی چون قتل و زندان و مانند آن محکوم میشود مسئله ارتداد و احکام خاص آن از مهم ترین مباحث دینی است و در بسیاری از آیات قرآن مطرح شده است و به عقوبت‌های آن نیز اشاره شده است. برطرف شدن شبهه مزبور نیازمند بررسی و تحلیل مفهوم و اقسام ارتداد است:

۱- مفهوم ارتداد

ارتداد از نظر لغت به معنای مطلق برگشتن است. مراد از ارتداد اصطلاحی برگشت از عقیده است. فقهای اسلام می‌گویند مرتد کسی که حداقل یکی از اصول سه‌گانه اسلام با یکی از ضروریات و بدیهیات اسلام مانند وجوب نماز و روزه را انکار کند و یا یکی از مقدمات مسلمة مذهب مانند قرآن کریم و کعبه شریفه اهانت کند^۱

۲- اقسام ارتداد

ارتداد در فقه اسلامی به دو دسته فطری و ملی تقسیم میشوند اگر کسی از اول بلوغ کافر بوده است، سپس به اسلام مشرف شده و پس از آن، اسلام دست کشیده و به کیش خود برگشته و یا به کیش دیگری پیدا نموده به این شخص مرتد ملی می‌گویند و چه تسمه آن این است که این شخص اسلام را روش خود برگزیده بود و حالا از این روش.

برگشته است این نوع مرتد خود دارای اقسامی است گاهی دوباره به کیش خود بر می‌گردد، مثلاً نصرانی بوده، مسلمان شده و دوباره به نصرانیت بر می‌گردد. گاهی به کیشی مانند هندو بر می‌گردد که قائل به خدایان متعدد هستند و گاهی به عقیده ای مانند ماده‌گراها بر می‌گردد که قائل به هیچ‌خدایی نیستند.

اگر کسی از اول بلوغ مسلمان بوده و مدتی کم یا زیاد زیر سایه اسلام بوده است و حالا دست از اسلام کشیده و به یکی از کیشهای دیگر گرایش پیدا کرده است به این شخص مرتد فطری می‌گویند. زیرا اسلام دین فطرت است و چون این شخص دست از فطرت کشیده است، به او مرتد فطری می‌گویند.^۲

^۱ محمد علی امینی، ان از اسلام تا ارتداد چاپ سوم، قم انتشارات صحیفی، خرد، ۱۳۸۷ش، ص ۱۸۸

^۲ همان، ص ۱۹۸

شیخ طوسی میگوید و مرتد فطری کسی است که بر فطرت اسلام زاده شده است و پس کافر می شود و مرتد ملی کسی است که از ابتدا کافر بوده و سپس اسلام آورده و پس از آن مرتد شود.^۱

ب: احکام ارتداد

چون احکام مرتد فطری با مرتد ملی فرق میکند پس هر یک را جداگانه بررسی می کنیم.

۱- احکام مرتد فطری

مرتد فطری از نظر اسلام دارای احکام زیر است:

اول: نجاست

شخص مسلمانی که با گفتن رده از اسلام دست میکشد مانند سایر کفارش بدنش نجس می شود و اگر با رطوبت یا هر چیزی تماس بگیرد آن چیز نجس می شود استعمال چای یا آب یا هر مایعی که نیم خورده اوست جایز نیست و چون عرق بدنش نجس است به هر لباسی سرایت کند، نجس می گردد، اگر با لب تر هر کس را ببوسد آن کس ملوث به نجاست می شود. بالاخره، چون عرق بدن و لعاب دهان و اشک چشمش نجس است به هر جسم دیگری بر خورد کند، باعث نجاست آن می شود.^۲

اسلام پاک کننده جمیع اقسام کافر است، حتی مردی که مرتد فطری است، در صورتی که توبه کند، تا چه رسد به زن و به تبع کافر، اضافات متصل به او مانند مو، ناخن، آب دهان، خلط بینی و سینه و چرک زخمش پاک میشوند.^۳

دوم: جدایی زوجه از زوج مرتد

اگر مردی مرتد فطری شود و دارای همسر باشد میان او و همسرش جدایی حاصل می شود؛ یعنی زوجه باید همسرش را همچون مرد فرض کند و عده وفات بگیرد و پس از پایان عده، می تواند با شخص دیگری ازدواج کند و دیگر احتیاجی به طلاق نیست. همین مرد اگر توبه نکند و از گفتار یا کردار خود برنگردد به هیچ وجه ازدواج مجدد با جایز نیست، چون کافر است و ازدواج زن مسلمان با هیچ کاری جایز نیست. اما اگر توبه کند و بگوییم توبه مرتد فطری قبول

^۱ محمد بن حسن، شیخ طوسی، المبسوط فی الامامیه، ج ۷، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۸۲

^۲ محمد علی امینی، همان، ص ۲۰۳

^۳ روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، چاپ ششم قم مطبوعات دار العلم، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۸

نمی شود، باز هم ازدواج او جایز نیست. اما اگر قائل به قبول توبه مرتد شدیم و گفتیم توبه مرتد فطری علی الظاهر قبول میشود در این صورت ازدواج مجدد با او جایز است.^۱ بنابراین؛ زنی که ارتداد شوهرش برای او ثابت شده است ادامه دادن به زندگی با شوهرش و تمکین او بر آن زن حرام است و باید از او جدا شود مگر اینکه قدرت بر جدا شدن نداشته باشد که در این حال معذور است.^۲

سوم: تقسیم اموال

یکی دیگر از احکام مرتد فطری بینونت از اموال و املاک است. اگر کسی ارتداد فطری پیدا کند، تمام املاک و اموالش از حیطة تصرفش خارج میشود و دیگر هیچ گونه حق تصرفی در اموال و املاک خود ندارد، حتی مالک لباسهای تنش نیز نیست پس هر چه اموال و املاک که تحت تسلطش بوده، از دستش خارج میگردد و میان ورثه تقسیم میشود حکم این بینونت نیز مربوط به مرد است. پس اگر زن مرتد فطری، شود اموال از او بینونت پیدا نمی کند^۳ امام خمینی رحمه الله در این زمینه گفته اند مرتد فطری اموالی را که در زمان ارتدادش متعلق به او بوده، پس از ادای دیونش بین ورثه اش تقسیم میشود و منتظر مرگ او نمی شود، ولی اموالی را که به اسباب اختیاری مانند حیازت مباحات یا به اسباب قهری مانند ارث پس از ارتدادش که به دست آورده است مالک می شود^۴

چهارم: عدم توارث

یکی دیگر از احکامی که از ویژگیهای مرتد فطری است عدم توارث از میت است. پس اگر پدر مادر یا یکی از بستگان نسبی یا سببی او که قبلاً مرده است و او میتوانست از آنان ارث ببر حال که مرتد فطری شده است نمیتواند از هیچ یک از آنها ارث ببرد. این حکم از مختصات مرد نیست، بلکه مراد در این حکم مساوی اند. پس امر مرتد شود نمی تواند از هیچ یک از مسئولین خود، حتی از زوجه اش ارث ببرد و همچنین اگر زن مرتد شود از فامیلهای نسبی و سببی، حتی از شوهرش که قبل از او وفات کرده است ارث نمیبرد؛ به دلیل اینکه کافر از کافر ارث می برد و مرتد هم یکی از انواع کافر است و فرقی نمیکند که مرتد فطری باشد یا مرتد

^۱ محمد علی امینی، همان کتاب، ص ۲۰۴

^۲ مرضیه اسکندر جوی ارتداد چاپ اول قم مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۱ش، ص ۱۴۷

^۳ محمد علی امینی، همان کتاب ص ۲۰۵

^۴ روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، همان، ج ۲۲، ص ۳۶۷

ملی؛ زیرا مرتد فطری نیز اهلیت تملک دارد و مالک آن چیزی می شود که ارث می برد. اگر شخص مرتد توبه کند از مسلمان و کافر ارث می برد^۱

پنجم: وجوب قتل

یکی دیگر از احکام مرتد فطری آن است که اگر مرتد مرد باشد، واجب القتل است؛ یعنی حاکم شرع از مرتد استتابه یعنی درخواست توبه میکند اگر توبه نمود و دست از ارتداد خود کشید و دوباره اسلام را پذیرفت توبه اش قبول میشود و از مرگ حتمی نجات پیدا می کند؛ اگر قبول توبه نکرد، محکوم به اعدام میگردد. ناگفته نماند توبه مرتد فطری در صورت پذیرفته شدن، چنان که جدایی حق هم همین است در مورد دفع بینونت با زوجه و بازگشت اموال به او، اثری ندارد؛ یعنی پس از توبه نیز، نه اموال به او بر می گردد و نه زوجه مگر آن که ازدواج مجدد نماید. البته بعد از توبه، هر ازدواجی مانند مسلمانهای دیگر انجام دهد صحیح است. همچونین می تواند با کسب و زندانی کردن و زدن در اوقات نماز از جمله مجازاتهای زن مرتد فطری است.^۲

اجرای حکم قتل در مورد مرتد وظیفه ی حاکم است. به علاوه اگر افراد خود بخواهند حکم را جاری کنند، باعث هرج و مرج و بی ثباتی جامعه اسلامی می شود. همچونین در برخی موارد تشخیص سبب ارتداد امری اجتماعی است که هر کسی قادر به درک آن نیست به همین دلیل باید این وظیفه به حاکم واگذار شود.^۳

ششم: جواز دفن در قبرستان مسلمین

یکی دیگر از احکام مرتد فطری عدم جواز دفن در قبرستان مسلمین است. این حکم میان زن و مرد مرتد مشترک است. همچنین مرتد ملی نیز عین همین حکم در باره اش جاری است. بنابراین نباید که هیچ مرتدی را، چه فطری و چه ملی چه مرد و چه زن، بلکه هیچ کافری را در قبرستان مسلمین دفن کنند، اگر عمدتاً یا سهواً کافر اصلی یا کافر ارتدادی را در قبرستان مسلمین دفن کنند، باید نبش قبر نمایند و بدون کافر را از قبرستان مسلمین دور کنند. همچنین جایز نیست در صورت امکان مسلمانی را در قبرستان کفار دفن کنند و در صورت امکان و عدم اهانت به مؤمن، باید او را از قبر بیرون بیاورند و در جای مناسب مدفون سازند.^۴

^۱ مرضیه اسکندر جوی همان کتاب ص ۱۵۳

^۲ محمد علی امینی، همان کتاب، ص ۲۰۶

^۳ مرضیه اسکندر جوی همان کتاب ص ۱۵۳

^۴ محمد علی امینی، همان کتاب، ص ۲۰۶

امام خمینی رحمه الله در این باره فرموده اند: «اگر کافری در قبرستان مسلمین دفن شود، باید نبش قبر شود و بدن کافر دور انداخته شود»^۱.

هفتم: ساقط شدن ولایت مرتد

از مرتد به طور مطلق به واسطه ارتداد ولایت قانونی که بر مولی علیه خود (طفل، مجنون و سفیه دارد سلب میشود دلیلی که در این باره ارائه کرده اند قاعده ی نفی سیل است که چون ولایت نوعی سلطه است. به همین دلیل شخص کافر نمیتواند بر مسلمان ولایت داشته باشد. بنابر نظر مشهور فقها ولایت پدر یا جد پدری بر مولی علیه خود به هنگام ارتداد ساقط میشود و پس از سقوط ولایت ولی حاکم متصدی امر ولایت می شود.

در باره امکان بازگشت ولایت در صورت توبه مرتد باید گفت معتقدان به پذیرش توبه مرتد فطری، بازگشت ولایت او صحیح است و مرتد ملی نیز به طور کلی پس از توبه کردن ولایتش به او باز می گردد؛ زیرا ولایت نوعی سلطه است که با مرتد شدن ولی ولایت او ساقط می شود، اما وقتی شخص مرتد توبه کند مسلمان محسوب می شود و مسلمان هم می تواند بر مسلمان سلطه داشته باشد و در نتیجه ولایت او باز می گردد^۲.

۲- احکام مرتد ملی

مرتد ملی از ابتدا کشته نمیشود بلکه از او تقاضای توبه میشود؛ اگر توبه نمود، از مرگ نجات می یابد؛ و إلا باید کشته شود و احتیاط این است که تا سه روز، هر روزی یک بار از او تقاضای توبه شود؛ اگر قبول نکرد، باید به قتل برسد.

مرتد ملی، چه مرد باشد و چه زن اموالش به ورثه، بدون مرگ منتقل نمی شود
:- نکاح و زوجیت میان مرتد ملی و زوجه مسلمانش فسخ میشود. همچنین میان زن مرتد و همسر مسلمانش از حین ارتداد با مال و منفسخ میگردد و در صورت عدم دخول، نیازی به عده نگه داشتن نیست؛ اما در صورتی که مقاربت حاصل شده باشد، انفساخ نکاح متوقف بر ارضای عده است. در نتیجه اگر زن مرتد قبل از انقضای عده از ارتداد برگردد، زوجیت به حال خود باقی میماند و اگر زن تا به سر آمدن عده از رده خود برنگشت کشف از بینونت از حین ارتداد میکند.

اگر مرتد ملی توبه نمود و اسلام آورد سپس مرتد شد باز توبه نمود و مسلمان شد، باز برای بار سوم مرتد شد دیگر توبه ی او پذیرفته نمیشود؛ بلکه باید کشته شود. بعضی از فقها میگویند که در بار چهارم باید به قتل برسد.

^۱ روح الله موسوی خمینی تحریر الوسیله، همان، ج ۱، ص ۸۹

^۲ مرضیه اسکندر جوی، همان، ص ۱۶۰

-دفن مرتد ملی، چه زن باشد چه مرد اگر در قبرستان مسلمانان دفن شود، واجب است.
-اگر از مرتد ملی، پیش از ارتداد فرزندی متولد شده باشد، آن فرزند تا وقت بلوغ، در حکم مسلمان است؛ اما اگر به هنگام بلوغ، کفر اختیار کند باید از او توبه خواست؛ اگر توبه نمود مسلمان محسوب میشود و گرنه باید کشته شود.^۱

ج: نقش بازدارندگی احکام ارتداد

درباره ی نقش بازدارندگی احکام ارتداد باید گفت از آن جا که احکام اسلامی تابع مصالح و مفاسد است، حکم ارتداد نیز بالضرورة مصلحت و حکمتی دارد که برخی از آنها را بررسی میکنیم.

۱- جلوگیری از تحقیر دین

با توجه به احکام ارتداد شاید این گونه به نظر میرسد که با این کار درصدد آن که حصار ایمان اسلامی را حفظ کند. در حقیقت اسلام بعد از این که مردم ایمان آوردند، نظام اسلامی را مکلف کرده است که از ایمان مردم حفاظت و حراست کند. این وظیفه نظام و حکومت اسلامی است و علت خشم الهی بر مرتدین و کسانی که از دین خارج شده اند این است که اینها زندگی و عشرت دنیوی و هواهای نفسانی را برخواست معنوی و قلبی و فطرت انسانی خود و بر آخرت ترجیح دادند، بنابراین مسئله فقط عوض شدن یک اعتقاد نبوده است. مسأله این بوده که کسانی که به خاطر جاذبه های مادی و تأمین هواهای نفسانی حاضر شده اند به حیثیت نظام اسلامی لطمه بزنند و به آن پشت کرده، ایمان را رها کنند. این مقوله دیگری است و سخت گیری اسلام در رابطه با این مقوله است.^۲

۲- اصل پیشگیری از ضلالت و گمراهی

خداوند متعال برای هدایت انسان شرایع و پیامبران متعددی فرستاده است که هر یک تکمیل کننده ی شریعت پیش از خود هستند؛ اما این شرایع در گذر زمان و مکان از تحریف دنیایگران مصون نمانده اند. به گونه ای که در شریعت آسمانی یهودیت و مسیحیت به انواع تحریفات مبتلا گشته و حتی کتاب اصیل دینیشان نیز در دسترس نیست از سوی دیگر اسلام دین خاتم و جامع و کامل و همه ی ادیان الهی است؛ از این رو از پیروان ادیان دیگر میخواهد دست از آیین تحریف شده و ناقص خود برداشته و آیین کامل و جامع را برگزینند اسلام در این مرحله هیچ کیفر و مجازات دنیوی به آنانی که به این آیین روی نمی آورند و منع نکرده است بلکه کیفر اختصاص به مسلمانانی دارد که در یک خانواده و جامعه ی اسلامی تولد و تربیت یافته اند

^۱ محمد علی امینی، همان، ص ۲۱۱

^۲ سید علی خامنه ای آزادی از دیدگاه اسلام و غرب مجله اندیشه حوزه شماره ۱۳، سال ۱۳۷۷ش، ص ۱۳۹

و با وجود آگاهی از امتیازات و مزایای اسلام نسبت به ادیان دیگر از آن برگشته و به دین دیگری اعتقاد پیدا کرده اند؛ اما اسلام چنین اجازه ای نمی دهد زیرا آیین اسلام به هیچ وجه به پیرو خود این اجازه را نمی دهد که از آیین کامل یعنی یگانه صراط مستقیم و طریق سعادت خود دست برداشته و به ضلالت و گمراهی روی آورد این اجازه مانند آن است که آدمی به بهانه احترام به انتخاب دوستش جلو نابودی او را نگیرد؛ از این رو اسلام برای نجات پیروان خود شدیدترین مجازات را در حق مرتد وضع کرده است تا به وسیله آن از گشودن چنین راهی جلوگیری کند.^۱

برخی از امور نزد شارع از چنان اهمیتی برخوردار است که در شریعت، نه تنها حفظ آنها لازم گردیده است، بلکه حتی در مواردی احتمال مخدوش شدن و آسیب دیدن هم احتیاط نسبت به آن لازم است، مثلاً جان مؤمن به حدی اهمیت دارد که کوچکترین اقدامی که حتی احتمالاً موجب ریخته شدن خون او گردد عقوبت و کیفر دارد بدون تردید حفظ ایمان و عقاید راستین، بیش از آن لازم المراعات است، زیرا چه بسا خونهایی باید برای این مقصد ریخته می شود تا با هدای جان، ایمان جامعه حفظ شود. از این رو عقل حکم میکند و یا از حکم شرع کشف می کند که احتیاط در زمینه حفظ ایمان لازم است و از هر اقدامی که احتمالاً به انحراف دینی می انجامد باید جلوگیری و ممانعت کرد.^۲

۳- تقدم حق الهی بر حق انسانی

در صورتی که احکام مرتد از جمله قتل مرتد را نتوانیم تبیین کنیم، در توجه آن می توانیم بگوییم که خداوند متعال به دلیل هستی بخش بودنش و این که وجود تمامی ممکنات از جمله حیات بشری معلول وجود و فیض الهی است دارای حق و حقوق عظیم و بی شماری بر انسانها است، بلکه انسان در واقع مملوک و بندگان محض الهی هستند که هر گونه که اراده کند میتواند در آنها دخل و تصرف نماید؛ بنابراین خداوند در مقابل این همه نعمتها و کمالات میخواهد که به دین مورد رضایت وی ایمان آورده و تحت فرمان شریعت او باشند با این وجود، بر جاهلان محض هیچ گونه مجازاتی را اعمال نمی کند اما در مورد کسانی که با بصیرت و آزادانه آیین مورد رضایت خدا را پذیرفته اند و سپس به هر دلیلی از آن رو بر می گردانند، خداوند این حق را دارد که استمرار نعمتهایش از جمله ادامه حیات را از آنان سلب کند،

^۱ محمد حسن، قردادان قراملکی آزادی در فقه و حدود آن چاپ سوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲ش، ص

^۲ مرتضی، حائری، ابتغاء الفضیله فی الشرع الوسیله، ج ۱، چاپ اول قم انتشارات علمی، ۱۳۸۳ش، ص ۶۰

منتها اعمال این مجازات را در اختیار پیامبرش قرار میدهند تا بدین گونه درس عبرتی برای دیگران نیز باشد.^۱

۴- جلوگیری از تجاوز به حق معنوی

یکی از بزرگترین حقوق هر انسان بهره مندی او از نعمت دین است که از بالاترین نعمت هاست زیرا که دین برنامه‌ی الهی که خداوند متعال برای زندگی انسان تشریح کرده است که در سایه آن سعادت دنیا و آخرت انسان تأمین میشود. شخص مرتد به خاطر اینکه بازگشت از دین خود را علنی ساخته و به صورت صریح در میان مؤمنان به تبلیغ عقاید خود می‌پردازد، باعث میشود که مؤمنان مخصوصاً افرادی که از قدرت تحلیل کافی در مسائل دنی برخوردار نیستند، در معرض خطر بی‌ایمانی قرار بگیرند که قطعاً این امر مجازات متناسب با خود را خواهد داشت. اگر شخصی به صورت عمدی کسی را بکشد استحقاق مرگ را دارد زیرا که حق حیات ظاهری را از او سلب کرده است، این مجازات سنگین در مورد کسی که حق حیات معنوی - که موجب سعادت دنیا و آخرت است را سلب کرده باشد و نیز باید اجرا شود چرا که ارزش و اهمیت حیات معنوی بیشتر از حیات ظاهری و مادی است اسلام آزادی انسان در خروج از دین را نمی‌پذیرد، زیرا ارتداد و خروج از دین راستین علاوه بر شقاوت و ضلالت فردی دارای عواقب و عوارض زیادی است و اگر علنی شود باعث اختلال در اعتقادات مردم یک جامعه میشود و مقابله با این گونه رفتارها منحصر به دین اسلام نیست بلکه همه جوامع بشری با تغییر بنیادهای فکری خود، به مقابله بر می‌خیزد و تغییر دین را به نوعی نابسامانی فکری در متن جامعه ایجاد می‌نماید، مذموم می‌دانند^۲

۵- جلوگیری از براندازی حکومت اسلامی

ارتداد راه را برای نفوذ دشمنان به اردوگاه اسلام و آگاهی یافتن به اسرار مسلمانان باز خواهد گذاشت و در آن صورت دشمنان اسلام خواهند توانست با اظهار اسلام به اردوگاه مسلمانان مراجعه کرده و پس از دستیابی به مقاصد شوم خویش، از آن جا خارج گردند.^۳

مجازات مقرر در روایات اسلامی در خصوص مرتد برای صرف تعبیر عقیده و مذهب نیست بلکه نگاه اسلام و هدف او از تبیین چنین مجازاتی فراتر از مسئله فردی است؛ بلکه از زاویه سیاسی و تأثیر ارتداد بر دولت اسلامی به این مسئله نگریسته شده است و اسلام آن را به عنوان حربه علیه حکومت اسلامی می‌داند. در این اسلام ارتداد به عنوان یک انحراف سیاسی،

^۱ محمد حسن قدردان قراملکی، همان، صص ۱۴۹-۱۴۸

^۲ محمد حسن قدردان قراملکی، همان، ص ۱۵۰

^۳ همان، ص ۱۵۶

اجتماعی و فردی مدنظر است؛ یعنی از اینکه دین اسلام بر پایه عقیده‌ی دینی استوار است و حکومت بر اساس دین است از این رو ارتداد حربه‌ای برای براندازی نظام می‌شود اما در سایر نظام‌های سکولار چون حکومت‌ها مبتنی بر آرای مردم و جدا از دین و دینداری افراد است تغییر عقیده را نمی‌توان علیه حکومت تلقی کرد لذا از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد.^۱ از بزرگترین نقشه‌های شیطانی مخالفان اسلام برای تضعیف اسلام و مبارزه با این آیین نقشه‌ای بود که قرآن کریم به صراحت در آیات زیر اعلام می‌کند.

«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲، بسیاری از اهل کتاب دوست میدانند و آرزو میکنند ای کاش میتوانستند شما را بعد از آنکه ایمان آوردید بکفر برگردانند و این آرزو را از در حسد در دل می‌پرورند بعد از آنکه حق برای خود آنان نیز روشن گشته، پس فعلاً آنان را عفو کنید و نادیده بگیرید تا خدا امر خود را بفرستد که او بر هر چیز قادر است»

و همچنین بار دیگر می‌فرماید:

«وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالذِّكْرِ أُنزِلَ عَلَيْنَا آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۳؛ و طایفه‌ای از اهل کتاب به طایفه‌ای دیگر گفتند ایمان آورید بدان چه اول روز نازل شده و بدان چه آخر روز نازل گشته کفر بورزید تا به این و سیله‌ی مسلمانان از اسلام برگردند.»

وحدت هدف و عقیده مهمترین محور اساسی در جامعه اسلامی است که اگر تزلزل پیدا کرد اجتماع دینی در معرض سقوط قرار می‌گیرد. از لحاظ روانی نیز بزرگترین ضربه‌ای که میتواند در تزلزل بنیان عقاید افراد یک نظام اثر گذارد همان خروج و بیرون رفتن عده‌ای است که مدتی در آن نظام و اجتماع دارای آن عقیده و جزء معتقدین آن بوده‌اند و شاید راز مهم در طرح مسئله‌ی ارتداد همین باشد؛ زیرا بازگشت مرتد این مفهوم را در بر دارد که ما رفتیم و دیدیم و بررسی کردیم: اما در این آیین مطالبی قابل توجه نیافتیم و آنچه دیگران حقیقت می‌پندارند شایعه‌ی بیش نیست. خلاصه اینکه برخورد تند نسبت به مرتد به دلیل جلوگیری از نفوذ بیگانگان در حریم اعتقادات دینی مسلمانان و همچنین حفظ امنیت داخلی جامعه اسلامی است اگر در برابر توطئه‌ی ارتداد سکوت شود ممکن است.

^۱ سید علی خامنه‌ای همان کتاب، ص ۴۱

^۲ سوره بقره (۲) آیه ۱۰۹

^۳ سوره آل عمران (۳) آیه ۷۲

هر روز افرادی که پایبند به دین اسلام نیستند یا اصلاً مسلمان نیستند و کاملاً دشمن اسلام هستند به خاطر غرض ورزی و منابع از طریق ارتداد جامعه اسلامی را دچار تزلزل کنند زیرا همه ی افراد از نظر تحکیم اعتقادات یکی نیستند چه بسا افرادی که اعتقاداتشان آن قدر محکم است که هیچ کس و هیچ فتنه ای نمی تواند پایه ی اعتقاداتشان را دست کند و متقابلاً چه بسا افرادی هم یافت می شود که در عقیده ی خود آن قدر محکم و برهانی نیستند که در مقابل ارتداد عده ای بتواند مقاوم باشند و به دلشان تردید راه ندهند. بنابراین این امری کاملاً طبیعی است که جامعه ی اسلامی اجازه سوء استفاده به افراد سودجو و توطئه گر ندهند اگر به افراد اجازه داده شود هر روزی که مایلند خود را وفادار به اسلام نشان دهند و پس از چندی اگر خواستند از آن خارج شوند چیزی جز حرج و مرج نصیب جامعه نمیشود خصوصاً با عنایت به اینکه دشمنان وقتی میبینند از طریق نظامی نمیتوانند با جامعه اسلامی مقابله کنند موعولاً فعالیتهای تخریبی، فرهنگی، زمینه ای برای فعالیت توطئه گرانه ای افراد حرفه ای جهت ضربه زدن به اسلام و مسلمانان خواهد بود.^۱

ارتداد نسبت به اسلام چون قیام علیه نظام یک کشور است؛ چرا که اسلام خود یک نظام سیاسی کاملی را در مجموعه قوانین خود دارد. سهل انگاری در برابر این جرم بزرگ، عواقب بسیار وخیم و دردناکی به بار خواهد آورد و ممکن است خطرات جبرانناپذیری به پیکره جامعه اسلامی وارد سازد. امروزه اغلب کشورهای جهان کسی را که بخواهد علیه نظام آن کشور توطئه کند و قوانین اجتماعی - سیاسی کشور را با انکار عقاید و انتقادهای ضعف و نابودی بکشاند، به سخت ترین کیفر محکوم میکنند که در اغلب آنها اعدام و جود دارد پس حقوق جزای عرفی عصر حاضر در مورد توطئه و اخلاگری نسبت به نظام، سیاسی، اجتماعی همان کیفری را مقرر داشته است که حقوق جزای اسلام برای مرتد به منظور پاسداری از نظام سیاسی و اجتماعی خود قانون گذاری کرده است.

بنابراین ارتداد جرمی است بسیار سنگین چرا که با ارزشهای والای امت اسلامی اصطحاکاک پیدا میکند و زیانهای فاحشی بر جامعه وارد می سازد.^۲

^۱ زهرا کریمی بررسی تطبیقی آزادی عقیده در اسلام و یهود دانشکده ادبیات و علوم انسانی اراک پایبانا مه دوره کارشناسی ارشد، ۱۳۹۳ش، ص ۵۱

^۲ علیرضا، فیض مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عموم چاپ پنجم تهران انتشارات و فرهنگ ارشاد اسلامی ۱۳۸۷ ش، ص ۲۰۷

۶- تقدم مصالح جامعه بر فرد:

مقدم کردن مصالح و هدایت جامعه بر مصالح فرد به عنوان یک اصل کلی میباید شد. چنانچه چه مصلحت فرد با مصالح جمع در اصطحکاک باشد باید قانون به نفع جمع و به ضرر فرد اصلاح گردد. نباید مصلحت هزاران نفر از افراد جامعه فدای مصلحت یک انسان یا یک گروه قلیل گردد. چه بسا که با گشودن راه ارتداد انسانهای ضعیف الایمان به بهانه های مختلف مانند صرف شبهه یا سختی احکام اسلام از صراط مستقیم خارج گردند؛ از این روی حکم ارتداد در واقع نه برای شخص مرتد، بلکه برای جلوگیری از ارتداد دیگران تشریح شده است و همان مصلحتی که ایجاب میکند برای یک نفر قانون وضع شود و حلال و حرام تعیین گردد همان مصلحت ایجاب می کند که برای هزاران نفر از افراد اجتماع احکامی وجود داشته باشد.^۱

^۱ محمد حسن قدردان قراملکی، همان کتاب، ص ۱۵۷

منابع

۱. * قرآن کریم
۲. * نهج البلاغه
۱. محمد علی امینیان از اسلام تا ارتداد چاپ سوم، قم انتشارات صحیفه خرد، ۱۳۸۷ش، ص ۱۸۸
۲. محمد بن حسن، شیخ طوسی، المبسوط فی الامامیه، ج ۷، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۸۲
۳. محمد علی امینیان، همان، ص ۲۰۳
۴. روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، چاپ ششم قم مطبوعات دار العلم، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۸
۵. مرضیه اسکندر جوی ارتداد چاپ اول قم مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۱ش، ص ۱۴۷
۶. روح الله موسوی خمینی تحریر الوسیله، همان، ج ۲۲، ص ۳۶۷
۷. سید علی خامنه ای آزادی از دیدگاه اسلام و غرب مجله اندیشه حوزه شماره ۱۳، سال ۱۳۷۷ش، ص ۱۳۹
۸. محمد حسن، قدردان قراملکی آزادی در فقه و حدود آن چاپ سوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲ش، ص ۱۴
۹. مرتضی، حائری، ابتغاء الفضیله فی الشرع الوسیله، ج ۱، چاپ اول قم انتشارات علمیه، ۱۳۸۳ش، ص ۶۰
۱۰. زهرا کریمی بررسی تطبیقی آزادی عقیده در اسلام و یهود دان شکده ادبیات و علوم انسانی اراک پایانامه دوره کارشناسی ارشد، ۱۳۹۳ش، ص ۵۱
۱۱. علیرضا، فیض مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عموم چاپ پنجم تهران انتشارات و فرهنگ ارشاد اسلامی ۱۳۸۷ش، ص ۲۰۷